

استعاره‌های عمدی در متون خبری زبان فارسی

مریم مولایی (دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباءه، آباءه، ایران) (نویسنده مسئول)
محمد امین صراحی (استادیار گروه زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران)
محمد رستم‌پور (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلام واحد آباءه، آباءه، ایران)

صص: ۱۷۵-۱۵۳

چکیده

تا چندین دهه، پژوهش‌های زبان‌شناسان شناختی علاقمند به مطالعات استعاره به تشخیص و توصیف استعاره‌ها و همچنین توضیح دو بعدی بودن ارتباط ذهن و زبان اختصاص داشت. اما مطالعات استین (۲۰۰۸) در باب الگوهای استعاری نشان داد که بعد سوم نیز در رابطه با بعضی استعاره‌ها وجود دارد که براساس نظریه‌هایی که برسرشت دو بعدی استعاره‌ها تاکید دارند قابل توضیح و تبیین نیستند. پیشنهاد استین برای اضافه کردن بعد سوم که همان جنبه ارتباطی استعاره‌هاست بر پایه یافته‌های پژوهش‌های روانشناسی زبان و نیز تحلیل‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌باشد. در بعد سوم که بر جنبه ارتباطی استعاره تاکید دارد، تمایزی میان استعاره‌های عمدی و استعاره‌های غیرعمدی وجود دارد. هدف از انجام این پژوهش نیز معرفی نظریه استعاره‌های عمدی با مطالعه عنوان‌های خبری سه روزنامه کثیرالانتشار همشهری، کیهان و شرق در چارچوب نظریه استعاره‌های عمدی استین (۲۰۱۵) می‌باشد. نتایج این تحقیق علاوه بر تاکید بر ساختار سه بعدی استعاره و نقش ارتباطی استعاره‌های عمدی در تبادل اطلاعات که در مطالعات استعاری پیشین نادیده گرفته شده بود، نشان می‌دهد که در متون خبری نیز مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، گاهی اوقات استعاره‌ها به صورتی کاملاً عمدی به کار برده می‌شوند تا بتوانند علاوه بر جلب توجه مخاطب، موضوع مورد بحث را نیز توصیف کنند و توضیح دهند.

communicative

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

۱. marmar942@yahoo.com ۲. Sorahi@hotmail.com

پست الکترونیکی:

کلید واژه‌ها: استعاره، استعاره عمدی، استعاره غیر عمدی، حوزه مبدا، زبان‌شناسی شناختی

۱. مقدمه

از زمان تولد زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات اصلی در این حوزه مورد توجه بوده است. برخلاف نظریه کلاسیک استعاره که استعاره را موضوعی صرفاً ادبی و زبانی می‌داند، نظریه معاصر ادعا می‌کند که نظام ادراکی انسان سرشتی استعاری دارد و استعاره به شکلی ناخودآگاه و گاهی غیراختیاری، در زندگی انسان به کار می‌رود.

استعاره‌ها صراحتاً به ارتباط میان ذهن، زبان و فرهنگ می‌پردازند. این دیدگاه نخستین بار با انتشار کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* توسط لیکاف و جانسون در آغاز دهه هشتاد میلادی مطرح شد که از آن پس به عنوان نظریه معاصر استعاره شناخته می‌شود. به عقیده ایشان، استعاره ابزاری برای مفهوم‌سازی یک موضوع انتزاعی براساس تجربه‌ای معمولاً ملموس‌تر است. نظریه استعاره‌های مفهومی، استعاره را به عنوان اصطلاحات زیربنایی ذهنی و ابزاری شناختی تعریف می‌کند که به افراد اجازه تفکر، درک و بیان یک مفهوم را در قالب مفهومی دیگر می‌دهد.

در سال‌های اخیر، تحقیقات در زمینه نظریه استعاره‌های مفهومی گرایش فراوانی به استفاده از رویکردهای استعاری با منشاء منطقی داشته است. در این راستا، محققان به نقش غیرقابل انکار استعاره در ارتباط با کاربردهای متفاوت آن در تحلیل گفتمان و تجزیه و تحلیل کلام پی برده‌اند که از آن جمله می‌توان به کاربرد استعاره در توضیح دادن، شفاف نمودن، با مثال فهماندن، و توصیف و تبیین نمودن اشاره کرد (Müller, 2008; Goatly, 1997; Cameron, 2003; Semino, 2008; Steen, 2008, 2011).

استعاره همواره به عنوان ابزاری ارتباطی میان دو اندیشه عمل می‌کند: بدین معنا که آنچه توسط گوینده از طریق استعاره بیان می‌شود، انتقال مفاهیم به ذهن شنونده است. در عین حال، زبان‌شناسان همواره به دنبال درک شیوه عملکرد استعاره از طریق بازنمودهای زبانی آن هستند. استین (۱۹۹۴) استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره مفهومی و نمود زبانی آنها را استعاره‌های

زبانی می‌نامد، بنابراین استعاره‌های زبانی تظاهر فیزیکی و باز نمود استعاره‌های ذهنی هستند (Deignan, 2005:14).

تا چندین دهه، پژوهش‌های زبان شناسان شناختی علاقمند به مطالعات استعاره به تشخیص و توصیف استعاره و همچنین توضیح دو بعدی بودن ارتباط ذهن و زبان اختصاص داشت. اما مطالعات استین (۲۰۰۸) در باب الگوهای استعاری نشان داد که بعد سوم نیز در رابطه با بعضی استعاره‌ها وجود دارد که براساس نظریه‌هایی که برسرشت دو بعدی استعاره‌ها تاکید دارند، قابل توضیح و تبیین نیستند. پیشنهاد استین برای اضافه کردن بعد سوم که همان جنبه ارتباطی استعاره‌هاست، بر پایه یافته‌های پژوهش‌های روانشناسی زبان و نیز تحلیل‌های زبان-شناسی پیکره‌ای می‌باشد.

در بعد سوم که بر جنبه ارتباطی استعاره تاکید دارد، تمایزی میان استعاره‌های عمدی و استعاره‌های غیر عمدی وجود دارد. براساس استین (۲۰۱۵)، استعاره زمانی عمدی است که ساختار آن به مخاطبین، حرکتی آنی از حوزه مقصد بیان یا عبارت به حوزه مبدا می‌باشد که توسط اصطلاح استعاری مربوطه برانگیخته شده است را داشته باشد. به عبارت دیگر، در استعاره‌های عمدی، حوزه مبدا، قسمتی از الگویی است که جایگزین بیان یا متن می‌شود. برعکس، استعاره زمانی غیر عمدی است که حوزه مبدا قسمتی از مدل و جایگزین بیان یا متن نباشد (Steen, 2017).

تا آنجا که نویسندگان اطلاع دارند، تا کنون پژوهشی در زمینه استعاره‌های عمدی در زبان فارسی انجام نشده است. بنابراین، هدف اول این مقاله معرفی استعاره‌های عمدی و طریقه تشخیص آنها از استعاره‌های غیر عمدی است. هدف بعدی ما نشان دادن کاربرد استعاره‌های عمدی با استفاده از نمونه‌هایی از استعاره‌های عمدی در متون خبری فارسی است. به این منظور، داده‌های این پژوهش از عنوان‌های خبری صفحه اول روزنامه‌های کثیرالتشعار همشهری، کیهان، و شرق که از مهرماه سال ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است، جمع‌آوری شدند تا در چارچوب نظریه استعاره‌های عمدی (Steen, 2008, 2015) تحلیل شوند.

۲. پیشینه تحقیق

فصل مشترک تمام تحقیقات شناختی که از آغاز دهه هشتاد تا کنون در باره استعاره انجام گرفته است، این است که استعاره‌ها زبیتی نیستند، انحراف ندارند و توسط اشخاص بخصوصی استفاده نمی‌شوند (Beger, 2011; Gibbs and Chen, 2017; Musolff, 2016)..

استعاره‌های عمدی موضوع جدیدی در پژوهش‌های استعاره است که در اواخر دهه نود توسط تعدادی از پژوهشگران این حوزه معرفی شد (Shen and Balaban, 1999; Goatly, 1997; Cameron, 2003; Char-tris-Black and Musolff, 2003)؛ و با دغدغه اصلی پژوهش‌های رایج استعاره که بر مرسوم و قراردادی بودن، خودکار بودن و ناخودآگاه بودن تاکید دارند در تقابل است (Lakoff and Johnson, 1980, 1999; Gibbs, 1994, 2008).

به عنوان نمونه‌ای از این تحقیقات، بگر (۲۰۱۱) کاربرد استعاره‌های عمدی در تحلیل‌های دانشگاهی را بررسی کرده است. در این پژوهش، استعاره‌هایی مانند استعاره‌های مستقیم و غیرمستقیم، استعاره‌های جدید و استعاره‌های متداول که به صورت بالقوه می‌توانستند به عنوان استعاره‌های عمدی به کار برده شوند، در سه سخنرانی دانشگاهی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. هدف از انجام این مطالعه ارائه شیوه‌ای برای تشخیص استعاره‌های عمدی و تحلیل اهدافی بود که از به کار بردن این استعاره‌ها در سخنرانی‌های دانشگاهی حاصل می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استعاره‌های عمدی ابزار قدرتمندی برای اساتیدی محسوب می‌شوند که سعی دارند به دانشجویان خود دیدگاه‌های علمی و جدید را بر مبنای واژگان ناملموس ارائه دهند.

استین (۲۰۱۳) به اثبات ساختار استعاره‌های عمدی که موجب شناخت استعاره آگاهانه می‌باشند، پرداخته است. وی معتقد است که علاوه بر اندیشه استعاری آگاهانه، تمامی استعاره‌های عمدی در تسهیل تعاملات فرهنگی و اجتماعی نقش دارند. وی قدرت استعاره را نه تنها در کاربرد ناخودآگاه آنچنان که این تئوری ادعا کرده است، بلکه در بعد آگاهانه و به بیان کلی در کاربرد عمدی آن می‌داند.

گیبیز (۲۰۱۱) معتقد است که استعاره‌های عمدی از استعاره‌های ابداعی که به صورت خودکار و موضوعی، بدون تفکر و در آن واحد ساخته می‌شوند، تفاوت دارد. وی در مقاله‌اش

بعضی از فرضیه‌های رایج در مورد استعاره عمدی در علوم شناختی در حوزه معنی و عملکرد آگاهانه بشر را مورد بررسی قرار داده است.

موسلف (۲۰۱۶) به تفاوت‌های میان استعاره‌های عمدی و غیرعمدی می‌پردازد. در این پژوهش که در ده کشور مختلف انجام شده است، به تفسیر گویسوران از استعاره‌هایی مانند *یک ملت یک تن است* و *یک ملت یک شخص است* پرداخته می‌پردازد. از کاربران زبان دوم که دارای پیشینه زبانی یا فرهنگی متفاوت بودند خواسته شد که اصطلاح استعاری بدن را در مورد ملت خود به کار گیرند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هیچ کدام از یافته‌ها توسط الگوی مفهومی که به درک استعاره به صورت خودکار و ناآگاهانه اشاره دارد، قابل پیش بینی نمی‌باشد. در عوض زمانی که یک گوینده قصد انتخاب از میان تنوعات تفسیری متفاوت را دارد، بیشتر این کار را با هدف تاثیرات منظورشناختی انجام می‌دهد. یافته‌های این تحقیق شواهد متعددی را در حمایت از نظریه استعاره‌های عمدی ارائه می‌دهد. تا آنجا که بررسی پژوهشگران این تحقیق نشان می‌دهد، تا کنون پژوهشی در زمینه استعاره‌های عمدی در زبان فارسی در ایران انجام نشده است.

۳. چارچوب نظری

از آغاز دهه هشتاد میلادی، نظریه استعاره‌های مفهومی (Lakoff and Johnson, 1980) چارچوب نظری غالب در تحقیقات استعاره در دنیا بوده است (Gibbs, 2011). یکی از ادعاهای اصلی این نظریه این است که نظام مفهومی ما تا حد زیادی استعاری است، و اینکه تمام استعاره‌هایی که در زبان به کار برده می‌شوند، صورت‌های زبانی استعاره‌های زیربنایی هستند که جایگاه‌شان اندیشه است. به دلیل این تاکید زبانی-شناختی بر سرشت مفهومی استعاره (Lakoff and Johnson, 1980, 1999; Kövecses, 2002; Gibbs, 1994; Ortony, 1993)، به نظر می‌رسد نقش متمایز استعاره به عنوان ابزار ویژه ارتباطی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما اخیراً پژوهشگران حوزه استعاره با زمینه‌های مختلف علمی معتقدند که باید نظریه زبانشناختی-شناختی ارائه شود که از تاکید بر سطوح زبانی و اندیشگانی استعاره گذر کند و بتواند زمانی که استعاره به عنوان استعاره در ارتباطات به کار برده می‌شود را توضیح دهد (به عنوان مثال، Cameron, 1999, 2003; Charteris-Black and Musolff, 2003; Steen, 2008, 2011, 2015; Müller, 2008; Deignan, 2005; ۲۰۰۳). تقریباً نظریه-

های ارائه شده توسط این پژوهشگران حوزه استعاره، دو بعد زبان و تفکر را به‌عنوان اساس الگوی دوبعدی زبان - تفکر که توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ارائه شد، قبول دارند ولی معتقدند برای اینکه بتوان استعاره‌هایی که به‌صورت عمدی به‌عنوان استعاره به کار برده می‌شوند را توضیح دهند، نیاز به اصلاح این الگوی دو بعدی و اضافه کردن بعد سوم است که بر نقش ارتباطی اینگونه استعاره‌ها تاکید دارد.

از میان این نظریه‌ها، نظریه پیشنهادی استین (۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵) توجه بسیاری از پژوهشگران استعاره را به خود جلب کرده است (Deignan, Charteris-Blac, 2012؛ ۲۰۱۱؛ Gibbs, 2011, 2015؛ Müller, 2011, 2016؛ Musolff, 2016). در این الگوی سه‌بعدی که به‌عنوان نظریه استعاره‌های عمدی شناخته شده است، استعاره فقط به‌عنوان عبارت زبانی یک ساختار استعاری زیربنایی که در اندیشه جای دارد در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه ابزاری ارتباطی میان کاربران زبان است. در بعد سوم، میان استعاره‌هایی که به‌عنوان استعاره به کار برده می‌شوند و به آنها استعاره‌های عمدی می‌گوییم، و استعاره‌هایی که چنین نقشی ندارند و استعاره‌های غیرعمدی نامیده می‌شوند، تمایز قائل می‌شویم.

در نظریه استعاره‌های عمدی، استعاره فقط به‌عنوان ساختاری مفهومی (استعاره در اندیشه) که به‌صورت زبانی (استعاره در زبان) بیان می‌شود در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه موضوعی ارتباطی میان کاربران زبان (استعاره در ارتباط) است. این نظریه، میان اندیشه، کلماتی که برای بیان آن اندیشه به کار برده می‌شوند، و اشخاص، چیزها، یا رویدادهای دنیا که کلمات به آنها اشاره می‌کنند تمایز قائل می‌شود.

همانطور که گفته شد، استعاره‌های عمدی موضوع جدیدی در پژوهش‌های مربوط به استعاره است که با دغدغه اصلی پژوهش‌های رایج استعاره که بر مرسوم و قراردادی بودن خودکار بودن و ناخودآگاه بودن تاکید دارند (Lakoff and Johnson, 1980, 1999؛ Gibbs, 1994, 2008) در تقابل است. در واقع استعاره بیشتر اوقات مرسوم، خودکار و ناخودآگاه است، اما بعضی استعاره‌ها اینگونه نیستند و سوالی را بوجود می‌آورند که استعاره چه زمانی عمدی است؟ به‌علاوه، آیا می‌توان دلیل اینکه چرا گاهی استعاره‌ها به‌صورت عمدی به کار برده می‌شوند را توضیح داد؟ اینها سوالاتی هستند که درعین اینکه از یافته‌های پژوهش -

های غنی که تاکنون در زمینه استعاره انجام شده است بهره می‌برند، بر نقش ارتباطی استعاره نیز تاکید دارند (Steen, 2008).

بحثی که اینجا مطرح می‌شود این است که استعاره عمدی بوسیله خصوصیتی تعریف می‌شود که برای مخاطب خود هیچ انتخاب دیگری بجز نگاشت بین حوزه‌ای آگاهانه‌ای را باقی نمی‌گذارد. این استدلال را می‌توان برای همه استعاره‌های مستقیم از جمله تشبیه نیز به کار برد. از آنجا که استعاره‌های مستقیم در گفتمان وجود ندارد، به نظر می‌رسد می‌توان پیش‌بینی کرد که استعاره‌های عمدی زیادی نیز در گفتمان وجود نداشته باشد که به نوبه خود با تاکید پژوهش‌های معاصر استعاره بر این که استعاره مرسوم، خودکار و ناخودآگاه است سازگاری دارد. بنابراین موضوع وضعیت اصلی در مورد استعاره می‌تواند این باشد که استعاره غیر عمدی است.

به هر روی، با وجود اینکه الف) استعاره معمولاً غیرعمدی است، و ب) براساس تعریف، زمانی عمدی است که مستقیم باشد، به این معنی نیست که ج) همه استعاره‌های غیرمستقیم هم همیشه غیرعمدی هستند. این هم درست نیست که استعاره‌های مرسوم هیچ‌گاه نمی‌توانند عمدی باشند. مردم می‌توانند استعاره‌های غیرمستقیم و مرسوم را به روش‌های کاملاً عمدی به کار ببرند. این امکان به وضوح نشان می‌دهد که استعاره دارای سه بعد است: بعد زبانی مستقیم یا غیرمستقیم بودن، بعد مفهومی مرسوم بودن و بعد ارتباطی عمدی بودن. بنابراین بجای الگوی دوبعدی زبان و اندیشه که تاکنون برای استعاره مطرح شده است، برای توضیح کارکرد استعاره به الگوی سه‌بعدی زبان، اندیشه و ارتباط نیاز داریم (Steen, 2008).

برای توضیح بیشتر، به مثالی که از ریجنیرز (۲۰۱۷) گرفته شده است توجه فرمایید. همزمان با بحران اقتصادی اروپا در سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸، وزیر اقتصاد و دارایی هلند بدون اجازه مجلس این کشور، برای جلوگیری از ورشکستگی یکی از بزرگترین بانک‌های این کشور، با هزینه‌ای بالغ بر ۱,۷ میلیارد یورو این بانک را ملی اعلام کرد. چند سال بعد، کمیته تفحص مجلس آن کشور اعلام کرد که آقای وزیر در رابطه با این موضوع باید نظر مجلس را جویا می‌شد. یک روز بعد از انتشار گزارش مجلس، آقای وزیر را به برنامه تلویزیونی دعوت کردند و در آن برنامه برای توضیح کار خود جملات زیر را به کار برد:

۱. وقتی که گروه آتش‌نشانی دارند آتشی را خاموش می‌کنند، آنها هم اول جلسه برگزار نمی‌کنند... آنها هم اول آتش را خاموش می‌کنند. و این همان کاری است که من باید می‌کردم. در این مثال، وزیر وضعیت خود در آن زمان را به صورت وضعیت یک گروه آتش‌نشانی توصیف می‌کند: دقیقاً همانطور که یک گروه آتش‌نشانی کاری که برای خاموش کردن آتش لازم است را انجام می‌دهند، آقای وزیر تصمیم گرفت که پول مالیات را برای جلوگیری از ورشکست شدن بانک هزینه کند. و دقیقاً همانند یک گروه آتش‌نشانی که در ابتدا به در نظر گرفتن مزایا و معایب روش‌های مختلف خاموش کردن آتش نمی‌پردازند، وزیر نیز نظرات مختلف مجلس را برای انتخاب بهترین راه‌حل برای جلوگیری از ورشکستگی جویا نشده است. با توصیف یک چیز (حوزه مقصد؛ در این مورد روش آقای وزیر برای ملی اعلام کردن بانک) براساس چیز دیگری (حوزه مبداء؛ در این مثال کار یک گروه آتش‌نشانی)، وزیر از نوع خاصی استعاره برای توجیح اقدامات سیاسی خود استفاده می‌کند.

در این مثال، آقای وزیر با مقایسه مستقیم اقدام خود با کار گروه آتش‌نشانی، از استعاره به‌عنوان استعاره استفاده کرده است. به عبارت دیگر، در این مثال، از استعاره به‌عنوان ابزار ویژه بلاغی در ارتباط میان وزیر پیشین اقتصاد و مجری برنامه تلویزیونی و به‌صورت غیر مستقیم میان وزیر و مالیات‌دهندگان که برنامه را از تلویزیون تماشا می‌کنند به کار رفته است.

حال اگر آقای وزیر به سوال مجری برنامه اینگونه جواب می‌داد:

۲. باید بانک را نجات می‌دادم، در غیر این صورت ورشکسته می‌شد.

مثال (۲) نیز دارای استعاره است: فعل "نجات دادن". این استعاره حوزه مقصد "جلو یک بانک را از ورشکسته شدن گرفتن" به شکل "نجات دادن یک انسان از یک موقعیت خطرناک" است. ولی در مقایسه با استعاره در مثال اول، هیچ اشاره و دلیلی وجود ندارد که نشان دهد استعاره در مثال (۲) به‌عنوان استعاره در ارتباط میان وزیر و مجری میزبان یا شنوندگان به‌عمد به کار رفته است. بلکه استعاره معمولی است که مردم هنگام سخن گفتن از جلو سقوط تجارتي را گرفتن به‌کار می‌برند. بنابراین، استعاره در مثال دوم به‌عنوان استعاره خاصی جهت ایجاد ارتباط به‌کار نرفته است و به همین دلیل، تاثیر ارتباطی متفاوتی نسبت به استعاره مثال اول دارد.

به نظر می‌رسد تعریف کاربردی و مبتنی بر نشانه‌شناختی استعاره‌های عمدی می‌تواند روشن سازد چگونه توجه به حوزه مبداء که مشخصه اصلی استعاره عمدی در نظریه استعاره‌های عمدی است را می‌توان در کاربرد زبان مشاهده کرد. از دیدگاه نشانه‌شناختی، سه بعد استعاره را می‌توان به تمایز میان نماد^۳، مفاهیم^۴ و ارجاع متناظر ساخت. برای اینکه استعاره‌ای به‌طور بالقوه عمدی در نظر گرفته شود، نه تنها باید به‌عنوان یک واژه حوزه مبداء در سطح زبانی معنای پاره‌گفتار و در نتیجه مفهوم حوزه مبداء در سطح مفهومی تشخیص داده شود، بلکه باید مرجع حوزه مبداء را در وضعیتی که توسط پاره‌گفتار تخصیص داده می‌شود، تعیین کند (Steen, 2017). به عبارت دیگر، استعاره زمانی عمدی است که حوزه مبداء نقش مهمی در نشان دادن معنای ارجاعی پاره‌گفتار داشته باشد.

در مثالی دیگر،

۳. میدان جنگ سیاسی پر شده از اجساد سپاهیان.... بوم... بوم... بوم

اسم "اجساد" در سطح زبانی معنای پاره‌گفتار به استعاره مرتبط است، زیرا از حوزه‌ای متفاوت از حوزه مقصد پاره‌گفتار (سیاست) می‌آید. به همین دلیل، "اجساد" در سطح مفهومی معنای پاره‌گفتار نیز استعاری است: مفهوم "اجساد" از حوزه متفاوت از حوزه مقصد "سیاست" می‌آید. فرهنگ بزرگ سخن برای کلمه "جسد" معانی "جسم جانور مرده" و "تن، بدن، کالبد" را ارائه می‌دهد که با حوزه مقصد سیاست تناسب ندارد. در سطح ارتباطی، "اجساد" مرجع حوزه مبداء را در معنی پاره‌گفتار فراهم می‌کند و بدینوسیله منظر جدیدی را برای حوزه مقصد سیاست معرفی می‌کند. نهایتاً "اجساد" به‌عنوان استعاره عمدی بالقوه شناسایی می‌شود. "میدان جنگ" عبارت زبانی دیگری است که به‌صورت استعاره عمدی به کار رفته است.

در مدل سه بعدی که به‌عنوان نظریه استعاره‌های عمدی^۵ شناخته شده است، استعاره نه تنها به‌عنوان اصطلاحی زبانی که ساختار استعاری ذهنی دارد، بلکه به‌عنوان موضوع ارتباطی بین کاربران زبانی در نظر گرفته می‌شود. در بعد سوم، تمایزی میان استعاره‌هایی که از روی عمد به‌عنوان استعاره به‌کار می‌روند (استعاره عمدی) و استعاره‌هایی که چنین عملکردی ندارند

^۳ Conventional

^۴ concepts

^۵ DMT (Deliberate Metaphor Theory)

(استعاره غیرعمدی) گذاشته می‌شود. در نظریه استعاره‌های عمدی (Steen, 2008, 2011,) (۲۰۱۵)، استعاره نه تنها به عنوان موضوع ساختاری مفهومی که در شکل زبانی بیان شده است، بلکه به عنوان موضوع ارتباطی بین کاربران زبان (استعاره در ارتباط) بررسی می‌شود.

در بعد ارتباطی دیدگاه سه‌بعدی استعاره، میان استعاره‌های عمدی و غیر عمدی تمایز قائل می‌شود. زمانی که استعاره به صورت عمدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دیدگاه مغایر یا متفاوتی با موضوع بیان شده دارد، به این معنی که "مخاطب باید به صورت آنی توجهش را از حوزه مقصد پاره‌گفتار یا عبارت به حوزه مبدائی بکشاند که توسط عبارت مربوط به استعاره فراخوانده می‌شود" (Steen, 2015: 68). در مقابل، استعاره زمانی غیرعمدی است که به عنوان استعاره در ارتباط بین کاربران زبان به کار برده نمی‌شود. از نظر ارتباطی، تمرکز استعاره‌های غیرعمدی بر روی موضوع باقی می‌ماند و گیرنده پیام مجبور به دنبال کردن حوزه مبدا بیان استعاری نمی‌باشد (Steen, 2011).

مقدمه‌ای که بر الگوی سه‌بعدی استعاره و نظریه استعاره‌های عمدی بیان شد، مناظره‌ای جدی را میان پژوهشگران استعاره بوجود آورده است. این مناظره اساساً در رابطه با این سوال است که یک استعاره باید به طور دقیق چه معنایی بدهد یا چه کارکردی داشته باشد تا استعاره عمدی در نظر گرفته شود. امروزه هر کدام از متخصصین مطالعات استعاره، به شیوه‌ای نظرات و انتقادات خود را در مورد این نظریه بیان می‌کنند. بعضی از آنها نظریه استعاره عمدی را رد می‌کنند، زیرا هوشیاری عمدی، چیزی که به سختی فراهم می‌شود و تقریباً هرگز اتفاق نمی‌افتد، برای این نوع استعاره لازم است (Gibbs, 2011, 2015). دیگران استعاره عمدی را هرگز به عنوان یک طبقه مجزا قبول ندارند و آن را جزئی از استعاره‌ها می‌دانند، هر چند که قویترین مخالفان، به کاربرد عمدی استعاره‌ها واقف هستند و آنها را در ارتباطات مورد بررسی قرار می‌دهند (Gibbs, 2015). با این حال، مطالعات جدید نیاز به الگوی سه‌بعدی استعاره را نشان داده است که در آن به تفاوت بین استعاره‌های عمدی و غیرعمدی می‌پردازد و از آن به عنوان یک استعاره بین کاربران زبان یاد می‌کند و سوالات جدیدی را درباره ساختار، عملکرد و فرایندهای استعاره در استفاده از زبان و عمل آنها در گفتمان مطرح می‌نماید.

اولین قدم در تشخیص استعاره‌های عمدی، تشخیص استعاره بودن عناصر واژگانی و کلامی به کاررفته در متن است. روش تشخیص کاربرد استعاری واژگان در تحلیل گفتمان طبق

الگویی توسط گروهی از زبان‌شناسان تحت عنوان گروه پراگلاجاز (۲۰۰۷) معرفی شده است تا روشی قابل انعطاف، قابل اعتماد و واضح را تحت عنوان "روند تشخیص استعاره" برای تشخیص ماهیت استعاری واژگان بکار رفته در زبان نوشتاری و گفتاری ارائه دهند. در الگوی روند تشخیص استعاره، مراحل زیر به ترتیب انجام می‌پذیرد:

۱. تمام متن / گفتمان باید بطور کامل خوانده شود و یا شنیده شود.

۲. واحدهای واژگانی در متن / گفتمان تعیین می‌گردد.

۳. الف) معنای بافتی هر واحد واژگانی به کار رفته در متن تعیین می‌گردد. یعنی مشخص شود که این واحد واژگانی چگونه به یک شیء، رابطه، خصوصیت، و چیزهای دیگر در بافت معنایی دلالت می‌کند. به آنچه قبل و بعد از واحد واژگانی بکار برده می‌شود باید توجه کرد. ب) در مورد هر واحد واژگانی باید نشان داده شود که آیا این واحد واژگانی معنای معاصر اصلی‌تر و رایج‌تری در بافت‌های دیگر دارد یا خیر. معنای اصلی‌تر دارای خصوصیات زیر می‌باشد: ملموس‌تر است (آن را راحت‌تر می‌توان تصور کرد، دید، شنید، بوئید، و احساس کرد)؛ معمولاً ریشه در فعالیت‌های بدنی و فیزیکی دارد؛ دقیق‌تر است (در مقابل مبهم‌تر)؛ از نظر تاریخی قدیمی‌تر است؛ نکته قابل ذکر این است که معنای اصلی لزوماً رایج‌ترین و پرکاربردترین معنای واحد واژگانی نیست.

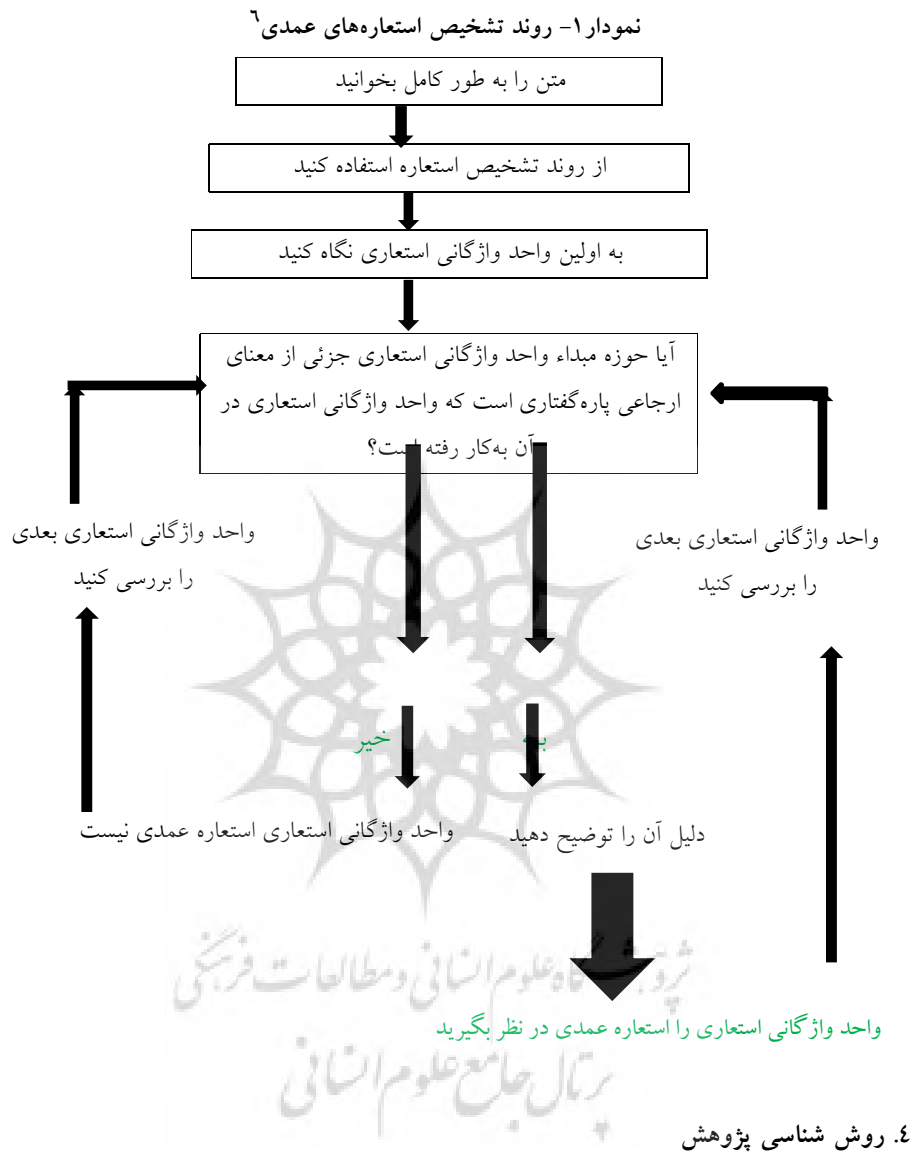
ج) اگر واحد واژگانی دارای معنای معاصر اصلی‌تر و مهم‌تری در سایر بافت‌ها می‌باشد، باید نشان داد که آیا معنای بافتی با معنای اصلی در تقابل می‌باشد یا خیر و آن معنا را براساس مقایسه با معنای اصلی می‌توان فهمید یا خیر. د) اگر جواب مثبت است، این واحد واژگانی را باید استعاره در نظر گرفت.

پس از تشخیص استعاره‌ها در جملات و تفکیک عبارت‌ها و واژگان استعاری از غیر-استعاری، نوبت تشخیص استعاره‌های عمدی است. جهت تشخیص استعاره‌های عمدی از غیرعمدی از روند تشخیص استعاره عمدی استفاده می‌شود.

زمانی که تمام واحدهای واژگانی موجود در متن از طریق روند تشخیص استعاره مشخص شدند، مرحله تشخیص استعاره عمدی است. برای این هدف، باید به اولین واحد واژگانی وابسته به استعاره نگاه کرد. در مرحله بعد باید تشخیص داد که آیا حوزه مبدا واژه استعاری قسمتی از معنای ارجاعی که بیان یا عبارت در آن به کار رفته است می‌باشد یا خیر. برای

اطمینان از قابلیت تولید مجدد و اینکه از شم زبانی مفسران در دخالت در تحلیل جلوگیری کنیم، می‌توان از فرهنگ لغت به عنوان پیکره استفاده کرد. در این پژوهش از دو فرهنگ لغت دهخدا و معین استفاده شده است. سرانجام اگر یک واحد واژگانی به عنوان استعاره عمدی تشخیص داده شد، تحلیلگر به دنبال توصیف این مطلب است که چگونه حوزه مبدا استعاره در معنای ارجاعی که گفتار در آن رخ داده است نقش دارد. به طور خلاصه مراحل تشخیص استعاره عمدی به صورت زیر می‌باشد:

- ۱- کل متن را بخوانیم برای اینکه تصور کلی از متن استخراج نماییم.
 - ۲- روند تشخیص استعاره را برای یافتن تمامی واحدهای واژگانی استعاری اعمال نماییم.
 - ۳- به اولین واحد واژگانی استعاری بنگریم.
 - ۴- در این مرحله که مهمترین مرحله تشخیص استعاره عمدی است به این مهم می‌پردازیم که آیا حوزه مبدا واحد واژگانی، قسمتی از معنای ارجاعی پاره گفتار می‌باشد یا خیر؟ که در این حالت سه جواب خواهیم داشت:
 - الف- اگر جواب مثبت باشد، واحد واژگانی را به عنوان استعاره عمدی بالقوه در نظر می‌گیریم و وارد مرحله پنج می‌شویم.
 - ب- اگر جواب منفی باشد، واحد واژگانی را به عنوان استعاره غیرعمدی در نظر می‌گیریم و به مرحله شش می‌رویم.
 - ج- در صورتی که دچار تردید باشیم، واحد واژگانی را به عنوان استعاره عمدی در نظر می‌گیریم و سپس به مرحله پنج وارد می‌شویم.
 - ۵- در این مرحله چنانچه واحد واژگانی استعاری در مرحله چهار به عنوان واحد استعاری بالقوه کدگذاری شده باشد، اینکه چطور حوزه مبدا به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی بیان می‌باشد را توصیف می‌کنیم.
 - ۶- واحد واژگانی استعاری بعدی را تحلیل می‌کنیم.
- تصویر زیر خلاصه روند تشخیص استعاره های عمدی را نشان می‌دهد:



روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی، از نوع تحلیل محتوای متن و در چارچوب زبان‌شناسی شناختی انجام گرفته است. در این تحقیق به بررسی استعاره‌های عمدی در متون خبری زبان

فارسی از دیدگاه نظریه استعاره‌های عمدی پرداخته شده است. شیوه تحلیل داده‌ها در این پژوهش، براساس نظریه استعاره‌های عمدی است که به تفصیل توضیح داده شد. داده‌های این تحقیق، تمام عناوین خبری صفحه اول سه روزنامه کیهان، شرق و همشهری است که از مهرماه سال ۱۳۹۷ تا آخر شهریور ۱۳۹۸ به چاپ رسیده‌اند. روزنامه کیهان دارای ۹۴۸ عنوان خبری، روزنامه شرق ۹۳۵ عنوان خبری و روزنامه همشهری دارای ۱۵۱۶ عنوان خبری در صفحه اول خود بوده‌اند.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس چارچوب پیشنهادی استین نشان داد که در روزنامه همشهری از میان ۱۵۱۶ عنوان خبری صفحه اول این روزنامه در ۱۳۴۰ مورد از عبارت‌های استعاری استفاده شده است که ۸۲۸ مورد آن استعاره عمدی و ۵۱۲ مورد استعاره غیرعمدی تشخیص داده شد. در روزنامه کیهان از میان ۹۴۸ عنوان خبری صفحه اول، در ۸۰۷ مورد از عبارت‌های استعاری استفاده شده است که ۴۷۴ مورد آن استعاره عمدی و ۳۳۳ مورد آن استعاره غیر عمدی است. و نهایتاً از میان ۹۳۵ مورد عنوان خبری صفحه اول روزنامه شرق، ۹۲۳ مورد عبارت استعاری تشخیص داده شد که ۵۸۵ مورد آن استعاره عمدی و ۳۳۸ مورد دیگر استعاره غیر عمدی بودند. جدول زیر خلاصه تحلیل عناوین خبری صفحه اول این سه روزنامه را نشان می‌دهد:

جدول ۱- خلاصه تحلیل عناوین خبری

نام روزنامه	تعداد کل عناوین خبری	تعداد کل عبارت‌های استعاری		استعاره‌های عمدی		استعاره‌های غیر عمدی	
		مورد	درصد	مورد	درصد	مورد	درصد
همشهری	۱۵۱۶ مورد	۱۳۴۰	۸۸/۴	۸۲۸	۶۱/۸	۵۱۲	۳۸/۲
کیهان	۹۴۸ مورد	۸۰۷	۹۱/۸	۴۷۴	۵۸/۷	۳۳۳	۴۱/۳
شرق	۹۳۵ مورد	۹۳۳	۹۹/۸	۵۸۵	۶۲/۷	۳۳۸	۳۶/۳

برای نمونه، تحلیل چند مورد از عنوان های خبری ارائه می‌شود. در این مثال ها مرحله اول و دوم روند تشخیص استعاره های عمدی انجام گرفته است، یعنی متن به طور کامل خوانده شده است و روند تشخیص استعاره، ماهیت استعاری آنها را ثابت کرده است.

۱- زنان تحصیلکرده موتور رشد اقتصاد (همشهری، چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۷). شماره

(۷۳۵۱)

در عبارت فوق، واژه موتور یک واژه استعاری در سطح زبانی است زیرا در حوزه متفاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت موجود است. در حقیقت واژه موتور برای وسیله نقلیه یا هر چیزی است که حرکت می‌کند، لیکن در این عبارت به عنوان جنباننده یا محرک استفاده شده است که حاکی از استعاری بودن واژه مورد نظر است. برای تشخیص اینکه از واژه موتور به عنوان استعاره عمدی استفاده است یا خیر، باید دید که آیا حوزه مبدا نقشی در معنای ارجاعی عبارت دارد یا خیر. ابتدا مفهوم واژه "موتور" در لغت نامه دهخدا را بررسی می‌کنیم: "دستگاهی با ساختمان خاص که مولد نیرو و به کارانداز ماشین، اتومبیل، هواپیما، کشتی و غیره است؛ محرک؛ جنباننده". در اینجا به دو دلیل واژه موتور را در گروه استعاره های عمدی قرار می‌دهیم. اول اینکه واژه موتور یک استعاره مستقیم است (بین معنای واژه در فرهنگ لغت (معنای لغوی) و معنای متنی آن اختلافی وجود ندارد. در حقیقت موتور با معنی واقعی جنباننده یا محرک در متن فوق مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال یک نگاهت دو جانبه ای به صورت تشبیه وجود دارد. بدین معنا که زنان تحصیلکرده به موتور حرکتی تشبیه شده است و این بدان معناست که یک منظر خارجی، گفتمان را به صورت آنی به مرجع حوزه مبدا متصل می‌کند. در نتیجه حوزه مبدا به عنوان مرجعی در گفتمان آورده می‌شود و این نشان دهنده استعاره عمدی بالقوه می‌باشد. معنایی که به صورت ارجاعی می‌توانیم در این عبارت بیان کنیم به این صورت است که "زنان تحصیلکرده همچون موتور (محرکی) برای رشد اقتصاد هستند".

دلیل دوم اینکه پس از بررسی حوزه مبدا واحد واژگانی موتور به این نتیجه می‌رسیم که حوزه مبدا این واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که این واحد واژگانی در آن به کار رفته است. درحقیقت، واحد واژگانی موتور، ذهن شنونده را به صورت خودکار به حرکت

چرخ اقتصادی ارجاع می‌دهد. بنابراین، این واحد واژگانی استعاری را استعاره عمدی در نظر می‌گیریم.

۲- چتر کدام جریان سیاسی روی سر مفسدان اقتصادی است؟ (کیهان، یکشنبه ۲ دی ۱۳۹۷. شماره ۲۲۰۸۱)

در این عبارت، واژه چتر واحد واژگانی استعاری است. واژه چتر با مفهوم متفاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت موجود است. در فرهنگ لغت دهخدا، چتر "سایه‌بان کوچک دسته‌داری است که در زیر آفتاب یا هنگام باریدن برف و باران روی سر نگه می‌دارند". در اینجا واژه چتر خارج از حوزه مقصد مفسدان اقتصادی است. یعنی در واقع یک تضاد معنایی به‌طور آشکارا ذهن مخاطب را درگیر خود می‌کند که آیا مفسد اقتصادی بایستی از کدام منظر تحت حمایت قرار گیرد. از لحاظ معنای متنی، چتر معنای حمایت کردن را دارد. واژه چتر همچنین، خارج از حوزه مقصد در عبارت مفسدان اقتصادی قرار دارد. این واژه علاوه بر اینکه از منظر واژگانی، استعاری محسوب می‌شود (حوزه متفاوتی نسبت به معنای اصلی خود دارد. این واژه به معنای حمایت کردن و تحت پوشش قرار دادن است)، به عنوان استعاره عمدی در این عبارت آورده شده است.

واژه استعاری چتر به دو دلیل استعاره عمدی است. نخست اینکه این واژه از لحاظ زبانی به عنوان اصطلاح استعاری در لایه زیرین ذهن قرار دارد. به این معنی که آنچه‌چتر که چتر در معنای واژگانی به عنوان ابزاری جهت حفاظت در برابر عوامل محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در این عبارت نیز چتر به عنوان ابزار حمایت به کار می‌رود و ابزاری ارتباطی بین کاربران زبان می‌باشد.

دوم اینکه باید ببینیم آیا حوزه مبداء واحد واژگانی چتر به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی که این واحد واژگانی در آن به کار رفته است می‌باشد یا خیر. چنانچه حوزه مبداء آن واحد واژگانی، قسمتی از معنای ارجاعی عبارت باشد، استعاره عمدی است. واژه چتر، ذهن خواننده یا شنونده را بلافاصله به مفهوم حمایت کردن سوق می‌دهد و نشان می‌دهد چتر در حقیقت در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌گیرد.

۳- کوه کانال مالی اروپا موش زاید. (کیهان، شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۷. شماره ۱۱۶ ۲۲)

در این عبارت با دو واژه استعاری روبرو هستیم. واحد واژگانی اول کوه می باشد. در فرهنگ لغت، کوه عبارت است از "هر برآمدگی کلان و مرتفعی در سطح زمین خواه از خاک باشد یا سنگ و به تازی، جبل گویند". واحد واژگانی دوم موش است که در هر دو فرهنگ لغت (دهخدا، معین)، چنین معنی شده است: "موش علاوه بر اینکه از لحاظ جثه جانوری بسیار کوچک، از راسته جونندگان می باشد، بسیار موذی و خطرناک است که می تواند باعث خسارات بسیاری برای انسان شود".

ابتدا به بررسی واژه کوه در عبارت استعاری "کوه کانال مالی اروپا" می پردازیم. سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس با انتشار بیانیه ای اعلام کردند که کانال ویژه تجارت بین ایران و اروپا با نام رسمی "INSTEX" (سامانه پشتیبان مبادلات مالی) ثبت شده است و یک بانکدار آلمانی ریاست آن را به عهده گرفته است. پس از خروج آمریکا از برجام، اروپا قرار بود به منظور مقابله عملی با تحریم های ضد ایرانی تضمین بدهد. اما در نهایت تعهدات برجامی اروپا در گام اول به SPV (مبادله نفت در برابر کالا) تقلیل یافت و در گام دوم نیز به INSTEX (مبادله پول نفت دیگر کشورها با غذا و دارو) فروکاسته شد. در واقع آنچه که در ابتدا اروپا از خود به عنوان کوه که خود سمبل استقامت، مقاومت و پایداری است، یاد کرده است پس از مدتی فرو پاشید. کوه در این عبارت در حوزه واژگان استعاری قرار دارد. معنای واقعی کوه دارای حوزه متفاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت فوق می باشد. کوه همچنین به گروه استعاره های عمدی تعلق دارد، زیرا حوزه مبداء واژه کوه قسمتی از معنای ارجاعی است که از آن در متن استفاده شده است. در واقع واژه کوه همان استواری و ابزار پشتیبانی مبادلات مالی است.

واژه موش ذهن مخاطب را به سمت جانور ریز جثه و موذی می کشاند که می تواند برای انسان ضرر به بار آورد. در این واژه استعاری، حوزه مبداء موش به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی که در متن آورده شده است می باشد و بنابر این می توان واژه موش را به عنوان واحد استعاری عمدی در نظر گرفت.

۴- با دم شیر بازی نکنید. (شرق، پنجشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۹۷. شماره ۴۲۸۵)

در این عبارت "شیر"، واحد واژگانی استعاری است. مخاطب این کلام پس از شنیدن واژه شیر به صورت ناخودآگاه به بررسی نگاشت های حوزه مبداء و مقصد می پردازد. از آنجا که

معنای واژه شیر، دارای حوزه معنایی متفاوت از حوزه مقصد است، این واژه دارای مفهوم استعاری است.

در مرحله بعد باید مشخص شود که آیا واژه شیر در زیرمجموعه استعاره عمدی قرار می‌گیرد؟ بر اساس نظریه استعاره های عمدی، نخست به یافتن معنی واژه شیر می‌پردازیم. شیر در لغت نامه دهخدا چنین توصیف شده است: "حیوانی چارپا و سبع و درنده از نوع گربه که به تازی اسد می‌گویند. برق چنگال از صفات اوست. شیر کنایه از آن است که فردی بسیار شجاع و دلیر است". واژه شیر در عبارت فوق کنایه از قدرت، توانمندی و شجاعت ایران (ملت ایران) دارد. در چنین موردی که وجه مشترکی در بیان عبارت که نشان دهد که حوزه مبداء عبارت قسمتی از معنای ارجاعی باشد بیابیم، این واحد واژگانی را در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌دهیم.

۵- این سیل جاری جمعیت کابوس هر شب دشمن است. (کیهان، دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷. شماره ۲۲۰۳۸)

در عبارت فوق، دو واحد واژگانی استعاری وجود دارد: "سیل" و "کابوس". واژه سیل، در عبارت "سیل جاری جمعیت"، ذهن مخاطب را به سمت گروهی از افراد که به صورت یکپارچه و منسجم در کنار هم در حرکت هستند سوق می‌دهد. در حقیقت حوزه مبداء در واحد واژگانی سیل متفاوت از حوزه مقصد آن می‌باشد. سیل، استعاره از جماعت افراد جامعه می‌باشد. پس از تشخیص سیل به عنوان واحد واژگانی استعاری، به بررسی آن در حوزه عمدی یا غیر عمدی می‌پردازیم. معنی سیل در فرهنگ لغت دهخدا چنین است: "آب بسیار که بر اثر باران های شدید یا ذوب برف ها به وجود آمده باشد". با توجه به تعریف استعاره عمدی، باید مشخص کرد حوزه مبداء به عنوان مرجع مستقل عمل می‌کند یا به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی که متن در آن به کار رفته است. پس از بررسی معنی لغوی و تشخیص اینکه واحد واژگانی سیل به عنوان واژه زبانی استعاری، به کار می‌رود، با یافتن معنی فرهنگ لغت این واژه متوجه خواهیم شد که هر چند واژه سیل به عنوان واژه استعاری است، نمی‌توانیم آن را در حوزه استعاره عمدی قرار دهیم، زیرا حوزه مبداء واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی بیان که در آن به کار رفته است، نمی‌باشد. بنابراین سیل، استعاره عمدی نیست.

کابوس نیز واحد واژگانی استعاری است. اما برخلاف سیل، استعاره عمدی است. معنی "کابوس" در فرهنگ لغت عبارت است از: "بختک، حالت سنگینی و اختناقی که در خواب سنگین به انسان دست می‌دهد". این حالت خفگی و سنگینی در تنفس که در حوزه مبدا واحد واژگانی وجود دارد، قسمتی از معنای ارجاعی است که در متن استفاده شده است و در جواب این که آیا واحد واژگانی استعاری، جزئی از معنایی است که در عبارت آمده است، جواب مثبت است و بنابراین واحد واژگانی کابوس استعاره عمدی است.

۶- چرخ روان ترافیک با ساعت شناور (همشهری، شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۷. شماره ۷۴۲۹)

در این عبارت دو واحد واژگانی استعاری وجود دارد: "چرخ" و "ساعت". پس از یافتن معنی آنها در فرهنگ لغت به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا حوزه مبدا واحد واژگانی استعاری، قسمتی از معنای ارجاعی به کار رفته در متن می‌باشد یا خیر. در صورتی که پاسخ مثبت باشد آن واحد واژگانی را در گروه واژگان استعاری عمدی قرار می‌دهیم و در غیر این صورت استعاره غیر عمدی است.

چرخ، استعاره از ماشین است. مخاطب پس از شنیدن واژه چرخ در ذهن خود به دنبال بررسی مفهوم و یافتن حوزه مبدا می‌پردازد. معنی چرخ در فرهنگ لغت چنین است: "هر وسیله مدور که حرکت دورانی داشته باشد و حول محور خود بچرخد مانند چرخ دوچرخه یا چرخ اتومبیل". از آنجا که حوزه مبدا واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که در متن آمده است، این واژه را در گروه استعاره عمدی قرار می‌دهیم.

واحد واژگانی استعاری دوم ساعت است که بایستی پس از تعیین حوزه مبدا آن که در حقیقت همان زمان کار ادارات است که تا ساعت نه، جهت بهبود بخشیدن به وضعیت ترافیک و کنترل آن، همچنین آلودگی و نارسایی‌های احتمالی شبکه حمل و نقل، به صورت شناور درآمده است. بنابراین ساعت در این عبارت استعاری اشاره به زمان دارد. حال با توجه به آنچه در فرهنگ لغت برای تعریف ساعت آمده است به بررسی آن می‌پردازیم. واژه ساعت در فرهنگ لغت دهخدا چنین آمده است: "آلتی که بدان وقت را به حسب ساعت شناسند". و نیز در فرهنگ لغت معین اشاره به هنگام، وقت و زمان شده است. در حقیقت حوزه مبدا واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که در عبارت به کار رفته است، بنابراین واژه ساعت در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و جایگاه استعاره‌های مفهومی در حوزه زبان‌شناسی شناختی و همچنین به این دلیل که استعاره‌های عمده‌عنوان یکی از موضوعات روز زبان‌شناسی شناختی و مطالعات استعاره در ایران ناشناس مانده است، پژوهش حاضر برای معرفی این نظریه و نقش آن در ایجاد ارتباط انجام گرفت.

نتایج این تحقیق نشان داد که استعاره‌ها با فراوانی بسیار بالایی در عنوان‌های خبری روزنامه‌های کثیرالانتشار به کار برده می‌شوند: ۸۸/۴ درصد از عناوین خبری روزنامه همشهری، ۹۱/۸ درصد عناوین روزنامه کیهان و بیشتر از همه ۹۹/۸ درصد عنوان‌های خبری روزنامه شرق دارای عبارت‌های استعاری بودند که از این میان حدود شصت درصد استعاره‌های به کار برده شده از نوع استعاره‌های عمده تشخیص داده شدند. شاید دلیل اصلی این کاربرد فراوان به نقش بنیادین استعاره در سازماندهی و ارائه اطلاعات انتزاعی و پیچیده مربوط می‌شود.

نتایج این تحقیق علاوه بر تاکید بر ساختار سه بعدی استعاره و نقش ارتباطی استعاره‌های عمده در تبادل اطلاعات که در مطالعات استعاری پیشین نادیده گرفته شده بود، نشان می‌دهد که در متون خبری نیز مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، گاهی اوقات استعاره‌ها به صورتی کاملاً عمده به کار برده می‌شوند تا بتوانند علاوه بر جلب توجه مخاطب، موضوع مورد بحث را نیز توصیف کنند و توضیح دهند.

نتایج این تحقیق کاربردهای مختلف استعاره‌های عمده را نیز در عناوین خبری روزنامه‌های فارسی زبان نشان داد. نقش اصلی استعاره‌های عمده، ایجاد ارتباط و انتقال اطلاعات از طریق جلب توجه مخاطبان و نقش توضیحی آن می‌باشد. در تمام مواردی که استعاره‌های عمده به کار برده شدند، برای توضیح مفاهیم پیچیده انتزاعی به صورتی کاملاً عمده از حوزه‌های مبداء‌آشناتری استفاده شد. در بعضی موارد نیز ترکیب استعاره‌های عمده با طنز، به نظر می‌رسد نقش عمده‌ای در علاقمند کردن مخاطبان به دنبال کردن موضوع خبر داشته باشد.

REFERENCES

- ۱- Beger, A. (2011). Deliberate metaphors? An exploration of the choice and functions of metaphors in US-American College lectures. *Metaphorik.de*, 20, ۳۹-۶۰.

- ۲- Beger, A. (2016). Different functions of (deliberate) metaphor in teaching scientific concepts. *etaphorik.de*, 26, 57–84.
- ۳- Cameron, L. (2003). *Metaphor in Educational Discourse*. London/New York.
- ۴- Charteris-Black, J. (2013). *Analysing political speeches: Rhetoric, discourse and metaphor*. Basingstoke & New York: Palgrave-MacMillan.
- ۵- Charteris-Black, J., & Musolff, A. (2003). ‘Battered hero’ or ‘innocent victim’? A comparative study of metaphors for euro trading in British and German financial reporting. *English for Specific Purposes*, 22, 153–۱۷۶.
doi:10.1016/S0889-4906(02)00012-۱
- ۶- Deignan, A. (2005). *Metaphor and corpus linguistics*. Amsterdam: John Benjamins.
- ۷- Gibbs, R. W. (1994). *The Poetics of Mind: Figurative Thought, Language, and Understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۸- Gibbs, R. W. (2008). *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۹- Gibbs, R.W. (2011). Are deliberate metaphors really deliberate? A question of human consciousness and action. *Metaphor and the Social World*, 1(1), 26–۵۲.
doi:10.1075/msw.1.1.03gib
- ۱۰- Gibbs, R.W. (2015a). Do pragmatic signals affect conventional metaphor understanding? A failed test of deliberate metaphor theory. *Journal of Pragmatics*, 90, 77–87. doi:10.1016/j.pragma.2015.05.۰۲۱
- ۱۱- Gibbs, R. W. & Chen, E. (2017). “Taking metaphor studies back to the Stone Age: A reply to Xu, Zhang, and Wu (2016)”, in: *Intercultural Pragmatics* 14 (1): 117–124.
- ۱۲- Goatly, A. (1997). *The language of metaphors*. London/New York: Routledge.
- ۱۳- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- ۱۴- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- ۱۵- Lakoff, G., & M. Johnson. (1999). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to western thought*. New York: Basic Books.
- ۱۶- Müller, C. (2008). *Metaphors dead and alive, sleeping and waking*. Chicago/London: University of Chicago Press.
- ۱۸- Müller, C. (2011). Are ‘deliberate’ metaphors really special? Deliberateness in the light of metaphor activation. *Metaphor and the Social World*, 1(1), 61–۶۶.
doi:10.1075/msw.1.1.06mul
- ۱۹- Müller, C. (2016). Why mixed metaphors make sense. In R.W. Gibbs (Ed.). *Mixing metaphor* (pp. 31–5۶). □□□□□□□□: □□□□ □□□□□□□□.
- ۲۰- Musolff, A. (2016). Cross-cultural variation in deliberate metaphor interpretation. *Metaphor and the Social World*, 6(2), 205–۲۲۴. □□□:۱۰.۱۰۷۵/
msw.6.2.02mus

- ۲۱- Ortony, A. (1993). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۲۲- Praggeljaz Group. (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse', *Metaphor and Symbol* 22(1): 1-39.
- ۲۳- Reijniere, G. W. (2017). *The Value of Deliberate Metaphor*. Utrecht: LOT.
- ۲۴- Semino, E. (2008). *Metaphor in discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ۲۵- Shen, Y., & N. Balaban. (1999). Metaphorical (in)coherence in discourse', *Discourse Processes* 28(2): 139-154.
- ۲۶- Steen, G. J. (2008). The paradox of metaphor: Why we need a three-dimensional model of metaphor. *Metaphor and Symbol*, 23(4): 213-241.
- ۲۷- Steen, G. (2010). *A method for linguistic metaphor identification*. Amsterdam: John Benjamins.
- ۲۸- Steen, G. (2011a). What does "really deliberate" really mean? *More thoughts on metaphor and consciousness and action*, 53-56.
- ۲۹- Steen, G. (2011b). From three dimensions to five steps: The value of deliberate metaphor. *metaphorik.de*, 83-110.
- ۳۰- Steen, G.J. (2013). Deliberate metaphor affords conscious metaphorical cognition. *Cognitive Semiotics*, 5(1-2), 179-197. doi:10.1015/0000000.2013.0.12.179
- ۳۱- Steen, G. (2015). Developing, Testing and interpreting Deliberate Metaphor Theory. *Journal of pragmatics*, 67-72.
- ۳۲- Steen, G.J. (2016). Mixed metaphor is a question of deliberateness. In R.W.Gibbs (Ed.), *Mixing metaphor* (pp. 113-132).
- ۳۳- Steen, Gerard J. 2017. "Deliberate Metaphor Theory: basic assumptions, main tenets, urgent issues", in: *Intercultural Pragmatics* 14 (1): 1-24.
- ۳۴- Steen.Gerard/Dorst, A. (2010). A method for linguistic method identification. *From MIP to MIPVU*

deliberate metaphor in persian newspaper headlines

Maryam Molaie(Corresponding Author)

PhD student, Islamic Azad University, Abadeh, Iran

Mohammad Amin Sorahi

Assistant Professor of Guilan University

Mohammad Rostampour

**Assistant Professor of English Language and Literature, Islamic Azad University,
Abadeh, Iran**

Received: 20/01/2021 Accepted:13/03/2021

For a few decades, the studies of cognitive linguists interested in metaphors dedicated to the identification and description of metaphors and the two dimensional relationship between mind and language. But Steen's (2008) studies on metaphorical patterns showed that there is a third communicative dimension about some metaphors which cannot be explained by the two dimensional theories of metaphor. In the third dimension, a distinction is made between deliberate and non-deliberate metaphors. This study is aimed at introducing the theory of deliberate metaphor by analyzing Iranian newspaper headlines within the theory of deliberate metaphor. The results of this study show that in addition to the three dimensional structure of metaphors and their communicative role in exchanging information which were neglected in previous studies, in newspaper headlines like many other domains, metaphors are sometimes used quite deliberately to lead their audience attention to specific topics to be described and explained

Keywords: metaphor, deliberate metaphor, non-deliberate metaphor, source domain, cognitive linguistics